

متن پرسش

سلام علیکم: شهید آوینی در مقاله رمان، سینما و تلویزیون این چنین می گویند: «رمان نویسی را هرگز نمی‌توان با اسطوره‌پردازی و یا حتی قصه‌پردازی بشر در گذشته‌ها قیاس کرد؛ رمان ماهیتاً پدیداری متمایز از اسطوره و یا قصه‌های کهن است. خودبنیادی یا سوژکتیویسم یکی از خصوصیات است که رمان را از اسطوره و یا قصه‌های کهن متمایز می‌دارد و این تفاوت، عرضی کوچکی نیست؛ یک تمایز جوهری ذاتی است.» لکن بنده هر چه در مسئله تفاوت بین رمان نویسی با داستان نویسی که در گذشته رایج بوده فکر کردم به پاسخ موجهی نرسیدم، لطفاً برای فهم منظور ایشان راهنمایی فرمائید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این یک بحث مفصل است. به این صورت که در یونان قدیم از طریق تراژدی و در فرهنگ ما از طریق داستان‌هایی مثل داستان‌های کلیله و دمنه اشاره به واقعیات نمادین می‌شد و باطن واقعیات را که با بصیرت باید می‌دیدیم نه با بصر، در میان می‌گذاشتند. ولی اکثر رمان‌های جدید □ نه رمانی مثل رمان بینوایان و ویکتور هوگو - بیشتر، خیال‌پردازی است. و در فرهنگی که به هیچ حقیقتی اشاره ندارد به میان آمده است و به یک معنا زندگی در فرهنگ سوژکتیویته را مطرح می‌کند. موفق باشید